



## شرح دعای پنجاه و دوّم صحیفه سجّادیه

دعای حضرت در اصرار به  
خدای تعالی

شرح و ترجمه: فاطمه پورشفیع

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

تابستان ۹۷

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِلْحَاحِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى:

دعای حضرت در الحاح و اصرار بر خدا:

فراز اول:

يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ،

ای خدایی که هیچ چیز در زمین و آسمان از تو مخفی و پوشیده نمی ماند.

وَ كَيْفَ يَخْفَى عَلَيْكَ - يَا إِلَهِي - مَا أَنْتَ خَلَقْتَهُ،

و چگونه بر تو مخفی می ماند ای خدایی که تو خلق کننده همه چیز هستی.

وَ كَيْفَ لَا تُحْصِي مَا أَنْتَ صَنَعْتَهُ،

و چگونه بشمار نیاید آنچه را که تو آن را ساخته ای؟

أَوْ كَيْفَ يَغِيبُ عَنْكَ مَا أَنْتَ تُدْبِرُهُ،

یا چگونه مخفی ماند از تو آنچه را که تو تدبیر و تقدیر کرده ای؟

أَوْ كَيْفَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَهْرَبَ مِنْكَ مَنْ لَا حَيَاةَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِكَ،

یا چگونه می تواند از تو بگریزد کسی که حیاتش به رزق تو بسته شده است؟

أَوْ كَيْفَ يَنْجُو مِنْكَ مَنْ لَا مَذْهَبَ لَهُ فِي غَيْرِ مُلْكِكَ.

یا چگونه از تصرف تو بیرون رود کسی را که راهی برای او جز ملک تو نیست؟

فراز دوم:

سُبْحَانَكَ أَحْسَى خَلْقِكَ لَكَ أَعْلَمُهُمْ بِكَ،

خدایا منزهی تو! ترسان ترین خلق تو در پیشگاه تو داناترین آنها نسبت به توست کسانی که تو را بهتر

می شناسند.

وَ أَخْضَعُهُمْ لَكَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِكَ،

و عالم ترین آنها در طاعت فروتن ترین آنها نسبت به توست.

وَ أَهْوَنُهُمْ عَلَيْكَ مَنْ أَنْتَ تَرْزُقُهُ وَ هُوَ يَعْبُدُ غَيْرَكَ

و خوارترین ایشان در نظر تو کسی است که تو به آنها روزی می دهی و او کسی دیگر را (غیر تو) عبادت می کند.

**سُبْحَانَكَ لَا يَنْقُصُ سُلْطَانَكَ مَنْ أَشْرَكَ بِكَ، وَ كَذَّبَ رُسُلَكَ،**

خدایا منزهی تو! از پادشاهی تو کاسته نمی شود کسی که راه شرک به تو انتخاب کند و رسولان تو را تکذیب کند!

**وَ لَيْسَ يَسْتَطِيعُ مَنْ كَرِهَ قَضَاءَكَ أَنْ يَرُدَّ أَمْرَكَ،**

و هر که حکم تو را نپسندند نمی تواند فرمانت را رد کند!

**وَ لَا يَمْتَنِعُ مِنْكَ مَنْ كَذَّبَ بِقُدْرَتِكَ،**

کسی که قدرت تو را تکذیب کند او خود را از مشیت تو باز نخواهد داشت.

**وَ لَا يَفُوتُكَ مَنْ عَبَدَ غَيْرَكَ،**

کسی که غیر تو را بپرستد از دست مؤاخذه تو در امان نیست.

**وَ لَا يُعَمِّرُ فِي الدُّنْيَا مَنْ كَرِهَ لِقَاءَكَ.**

کسی که لقاء تو را کراهت داشته باشد در دنیا عمر با برکت نخواهد داشت.

**سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ شَأْنُكَ، وَ أَقْهَرَ سُلْطَانُكَ، وَ أَشَدَّ قُوَّتَكَ، وَ أَنْفَذَ أَمْرَكَ.**

خدایا منزهی تو! چه بزرگ است کار تو و استوار است پادشاهی تو - عظیم ترین شأن برای توست. تو

غالب ترین پادشاه هستی - تو قادر ترین هستی - تو نافذترین در امر و حکم هستی و امر امر توست.

**سُبْحَانَكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ الْمَوْتَ:**

خدایا تو منزهی! مرگ، حکم و تقدیر نوشته شده تو بر جمیع خلقت است:

**مَنْ وَحَدَّكَ وَ مَنْ كَفَرَ بِكَ،**

چه آنان که یکتا پرست و موحد باشند و چه آنان که کافرو ملحد باشد.

**وَ كُلُّ دَائِقِ الْمَوْتِ، وَ كُلُّ صَائِرِ إِلَيْكَ،**

و همه مرگ را می چشند و همه بسوی تو باز می گردند.

**فَتَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ**

فرخنده و بلند مرتبه است نام تو.

**لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.**

جز تو خدایی نیست تنها تویی و شریکی برای تو نیست!

أَمَنْتُ بِكَ، وَ صَدَّقْتُ رُسْلَكَ،

ایمان دارم به تو و رسولان تو را تصدیق می‌کنم.

وَ قَبِلْتُ كِتَابَكَ،

و کتاب تو را پذیرفتم.

وَ كَفَرْتُ بِكُلِّ مَعْبُودٍ غَيْرِكَ،

و هر معبودی غیر تو را کافر شدم.

وَ بَرِئْتُ مِمَّنْ عَبَدَ سِوَاكَ

و برأت جستم از هرکس که غیر تو را بپرستد.

فِرَازِ سَوْمٍ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبِحُ وَ أُمْسِي مُسْتَقِلًا لِعَمَلِي،

بار الها! همانا من صبح می‌کنم و شام می‌کنم در حالیکه عمل خودم را اندک می‌شمارم. (خدایا صبح و

شام را به یاد تو و عمل در راه تو می‌گذرانم در حالیکه اعمال خود را ناچیز و کم می‌دانم)

مُعْتَرِفًا بِذُنُوبِي،

در حالیکه به گناهم اعتراف دارم.

مُقِرًّا بِخَطَايَايَ،

در حالیکه خطایا و اشتباهاتم را اقرار دارم.

أَنَا بِاسْرَافِي عَلَى نَفْسِي ذَلِيلٌ،

من به سبب اسراف بر خودم بر جانم ذلیل و خوارم.

عَمَلِي أَهْلَكَنِي،

عملم مرا هلاکت کرده .

وَ هَوَايَ أَرْدَانِي،

و هوای نفسم مرا از سعادت و سعادت‌مندی دور کرده .

وَ شَهَوَاتِي حَرَمَنَنِي.

و شهواتم و میل و آرزوهای طولانی مرا محروم ساخته .

**فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُؤَالَ مَنْ نَفْسُهُ لَاهِيَةٌ لِطُولِ أَمَلِهِ، وَ بَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُكُونِ عُرْوِقِهِ،**

پس از تو سؤال می کنم ای مولای من ! کسی که بخاطر طول آرزوهایش از بندگی سست گشته ، و جسم

او غافل شده بخاطر تن پروری.

**وَ قَلْبُهُ مَفْتُونٌ بِكَثْرَةِ النَّعْمِ عَلَيْهِ،**

و قلب او مست دنیا شده بخاطر کثرت نعمتهای تو.

**وَ فِكْرُهُ قَلِيلٌ لِمَا هُوَ صَائِرٌ إِلَيْهِ.**

و فکر و اندیشه او در باره بازگشت بسوی تو قلیل و کم است و به عاقبت کار خود نمی اندیشد.

**سُؤَالَ مَنْ قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْأَمَلُ،**

در خواست از سوی کسی است که آرزوها بر او چیره گشته است.

**وَ فَتَنَهُ الْهَوَى،**

و هوای نفس گرفتارش کرده (غافلش ساخته از حقایق)

**وَ اسْتَمَكَّنَتْ مِنْهُ الدُّنْيَا،**

و مکنت دنیائی او را ربوده است.

**وَ أَظْلَهُ الْأَجَلُ،**

و مرگ بر او سایه افکنده است.

**سُؤَالَ مَنْ اسْتَكْتَرَ ذُنُوبَهُ،**

خدایا کسی از تو در خواست می کند و از تو مسئلت دارد که گناهانش بسیار است.

**وَ اعْتَرَفَ بِخَطِيئَتِهِ،**

و اعتراف دارد به خطاها و گناهانش.

**سُؤَالَ مَنْ لَا رَبَّ لَهُ غَيْرُكَ،**

در خواست از سوی کسی است که غیر تو پروردگاری برایش نیست.

**وَ لَا وَلِيَّ لَهُ دُونَكَ،**

و غیر تو ولی و دوستی برایش نیست.

**وَ لَا مُنْقِذَ لَهُ مِنْكَ،**

و برای او جز تو رهاننده ای نیست.

و لَا مَلْجَأَ لَهُ مِنْكَ، إِلَّا إِلَيْكَ.

و برای او جز به سوی تو پناهی نیست.

فراز چهارم:

إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ،

بار الها! از تو درخواست می کنم و از تو مسئلت دارم، بحق تو که واجب کردی بر جمیع خلقت .

و بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي أَمَرْتَ رَسُولَكَ أَنْ يُسَبِّحَكَ بِهِ،

و به اسم بزرگت که تو امر کردی ب ه پیامبرانت اینکه تسبیح کنند تو را به آن نام.

و بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي لَا يَبْلَى وَلَا يَتَغَيَّرُ، وَلَا يَحُولُ وَلَا يَفْنَى،

و به جلال و بزرگی ذات کریمت که ضایع نمی شود و تغییر نمی کند و دگرگون نمی شود و فنا نمی پذیرد.

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُغْنِيَنِي عَنْ كُلِّ شَيْءٍ بِعِبَادَتِكَ،

اینکه با درود بر محمد و آل محمد ، اینکه مرا با عبادت بر خود بی نیاز کنی از هر چیزی.

وَ أَنْ تُسَلِّيَ نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا بِمَخَافَتِكَ،

و اینکه تسلی دهی وجودم را از علاقه به دنیا بوسیله خوف از خودت.

وَ أَنْ تُثَنِّبَنِي بِالْكَثِيرِ مِنْ كَرَامَتِكَ بِرَحْمَتِكَ.

و شامل حال من گردانی دو چیز را ؛ کرامت و رحمت خود را.

فَإِلَيْكَ أَفِرُّ،

پس به سوی تو می گریزم.

وَ مِنْكَ أَخَافُ،

و از تو می ترسم.

وَ بِكَ أَسْتَعِيثُ،

و از تو فریاد رسی می جویم.

وَ إِلَيْكَ أَرْجُو،

فقط به تو امید دارم.

وَأَنْتَ أَدْعُو،

و تو را می خوانم.

وَإِلَيْكَ أَلْجَأُ،

و پناه می آورم به سوی تو.

وَ بِكَ أَتَّقُ،

و به تو اطمینان دارم و اعتماد می کنم.

وَإِيَّاكَ أَسْتَعِينُ، وَ بِكَ أُوْمِنُ،

و از تو یاری می جویم و به تو ایمان دارم .

وَ عَلَيْنِكَ أَتَوَكَّلُ،

و بر تو توکل می کنم.

وَ عَلَى جُودِكَ وَ كَرَمِكَ أَتَكَلُّ.

و پشتیبان من جود و کرم تو است.

**خداوند تعالی علت هر معلول و فاعلیت هر فاعل:**

گویند: یکی از طبیعی مسلکان پاره گوشتی در ظرفی گذاشت و چندان ماند که کرم افتاد و آن را پیش عالمی آورد و گفت: این کرم ها را من آفریده ام ! گفت: بازگویی؛ کدام يك نر آفریده ای و کدام يك را ماده؟ و آن ملحد مفحم گشت و ندانست در جواب چه بگوید. همه اسباب طبیعی از باد و آب و آفتاب و حرارت و برودت که اهل طبایع مؤثر می پندارند، همه مُعدّاتند یعنی آماده کننده و آن که فاعل است خداوند تعالی است و علم پروردگار به هر چیز بدان سبب است که آن اشیاء خود پیش او ظاهرند نه به صورت، احتیاج و بستگی به هر چیز علت پیش از احتیاج صورت ذهنی ما است به ذهن ما، همچنان که ما به صورت ذهنی خود علم داریم خداوند به صورت خارجی.

و خداوند در همین معنی فرمود: **الایعلم من خلق و هو اللطیف الخبیر.**

**تعریف روزی هر کس و هر چیز:**

اگر گویی همه چیز محتاج به غذا و روزی نیست مانند سنگ و جمادات دیگر، گوئیم وجود امکانی همچنان که در آغاز وجود محتاج به خدا است ، در بقا نیز محتاج است مانند نور خورشید به خورشید که

اگر لحظه ای نور خورشید قطع شود جهان در ظلمت فرو می رود همچنین اگر فیض خداوند يك لحظه به عالم نرسد هر بودی؛ نابود می شود و این است معنی روزی هر موجودی.

## خداشناسی:

### شناساندن صحیح خداوند سبحان:

کسی که کیفیتی برای خدا قائل شد یگانگی او را انکار کرده و آن کس که همانندی برای او قرارداد به حقیقت خدا نرسیده است. کسی که خدا را به چیزی تشبیه کرد به مقصد نرسید. آن کس که به او اشاره کند یا در وهم آورد، خدا را بی نیاز ندانسته است. هرچه که ذاتش شناخته شده باشد آفریده است و آنچه در هستی به دیگری متکی باشد دارای آفریننده است. سازنده ای غیر محتاج به ابزار، اندازه گیرنده ای بی نیاز از فکر و اندیشه و بی نیاز از یاری دیگران است. با زمانها همراه نبوده و از ابزار و وسائل کمک نگرفته است. هستی او برتر از زمان و وجود او برنیستی مقدم است و از ازلیت او را آغازی نیست. با پدید آوردن حواس، روشن می شود که حواسی ندارد و با آفرینش اشیاء متضاد، ثابت می شود که در آن ضدی نیست و با هماهنگ کردن اشیاء دانسته می شود که همانندی ندارد. خدائی که روشنی را با تاریکی، آشکار را با نهان، خشکی را با تری، گرمی را با سردی، ضد هم قرار داد و عناصر متضاد را با هم ترکیب و هماهنگ کرد و بین موجودات ضد هم، وحدت ایجاد کرد و بین آنها که با هم نزدیک بودند فاصله انداخت.

خدائی که حدی ندارد و با شماره محاسبه نمی گردد که همانا ابزار و آلات، دلیل محدود بودن خویشند و به همانند خود اشاره می شوند. اینکه می گوئیم موجودات از فلان زمان پدید آمده اند پس قدیم نمی توانند باشند و حادثند و اینکه می گوئیم حتما پدید آمدند، ازلی بودن آنها رد می شود و اینکه می گوئیم اگر چنین بودند کامل می شدند، پس در تمام جهات کامل نیستند. خدا با خلق پدیده ها در برابر عقلا جلوه کرد و از مشاهده چشم ها برتر و والاتر است و حرکت و سکون در او راه ندارد، زیرا او خود حرکت و سکون را آفرید، چگونه ممکن است آنچه را که خود آفریده در او اثر بگذارد؟ یا خود از پدیده های خویش اثر پذیرد؟ اگر چنین شود، ذاتش چون دیگر پدیده ها تغییر می کند و اصل وجودش تجزیه می پذیرد و دیگر



ازلی نمی تواند باشد و هنگامی که «بر فرض محال» آغازی برای او تصور شود پس سر آمدی نیز خواهد داشت و این آغاز و انجام، دلیل روشن نقص و نقصان و ضعف دلیل مخلوق بودن و نیاز به خالق

دیگر داشتن است. پس نمی تواند آفریدگار همه هستی باشد و از صفات پروردگار که «هیچ چیز در او مؤثر نیست، و نابودی و تغییر و پنهان شدن در او راه ندارد.» خارج می شود.

### **شناخت قدرت پروردگار:**

پیش از او چیزی وجود نداشته وگر نه خدای دیگری می بود. نمی شود گفت «خدا نبود و پدید آمد» که در آن صورت صفات پدیده ها را پیدا می کند و نمی شود گفت «بین خدا و پدیده ها جدائی است» و «خدا بر پدیده ها برتری دارد» تا سازنده و ساخته شده همانند تصور شوند و خالق و پدید آمده با یکدیگر تشبیه گردند. مخلوقات را بدون استفاده از طرح و الگوی دیگران آفرید و در آفرینش پدیده ها از هیچ کسی یاری نگرفت، زمین را آفرید و آنرا برپا نگهداشت بدون آنکه مشغولش سازد و در حرکت و بی قراری، آنرا نظم و اعتدال بخشید و بدون ستونی آنرا به پا داشت و بدون استوانه ها بالایش برد و از کجی و فرو ریختن نگهداشت و از سقوط و در هم شکافتن حفظ کرد، میخهای زمین را محکم و کوه های آنرا استوار و چشمه هایش را جاری و دره ها را ایجاد کرد. آنچه بنا کرده به سستی نگرانید و آنچه را که توانا کرد ناتوان نشد.

خدا با بزرگی و قدرت بر آفریده ها حاکم است و با علم و آگاهی از باطن و درونشان با خبر است و با جلال و عزت خود از همه برتر و بالاتر است، چیزی از فرمان او سر پیچی نمی کند و چیزی قدرت مخالف با او را ندارد تا بر او پیروز گردد و شتابنده ای از او توان گریختن ندارد که بر او پیشی گیرد و به سرمایه داری نیاز ندارد تا او را روزی دهد. همه در برابر او فروتنند و در برابر عظمت او ذلیل و خوارند. از قدرت و حکومت او به سوی دیگری نمی توان گریخت که از سود و زیانش در امان ماند. همتائی ندارد تا با او برابری کند و او را همانندی نیست که شبیه او باشد. اوست نابود کننده پدیده ها پس از آفرینش که گویا موجودی نبود(کتاب خدا از نگاه امام علی(ع) نوشته محمد محمد رضایی)

### **تعریف اصرار بر خدا بوسیله دعا:**

حال که خداشناسی را دانستیم و شناختیم؛ پس بدانیم که چگونه از این موجود نامتناهی درخواستی داشته باشیم:

آداب دعا کردن:

- ۱- بسم الله گفتن (پیامبر (ص) فرمود: دعائی که با بسم الله آغاز شود رد نمی شود. (الدعوات للراوندی (۱۳۱/۵۲)
- ۲- تمجید خداوند (پیامبر (ص) فرمود: هر دعائی که با تمجید شروع نشود نافرجام است) - (البحار ۲۱/۳۱۷/۹۳)
- ۳- صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد (پیامبر (ص) فرمود: صلوات فرستادن شما بر من دعای شما را مستجاب می کند و زکات و مایه پاکیزگی اعمال شماست). (همان)
- ۴- شفیع قرار دادن صالحان، (امام کاظم (ع) فرمود: هر گاه خواستی از خداوند حاجتی طلب کنی ، بگو خدایا! به حق محمد و علی از تو مسألت می کنم ، زیرا که آندو را نزد تو منزلتی است. (الدعوات للراوندی- ۱۴۷/۵۱)
- ۵- اعتراف به گناه، امام صادق (ع) فرمود: در دعا ابتدا باید خدا را ستود سپس به گناه خود اعتراف نمود و آنگاه حاجت را خواست. (البحار ۱۳/۳۱۱/۹۳ و ص ۲۳/۳۱۸)
- ۶- تضرع و ابتهال، امام حسین (ع) فرمود: رسول خدا (ص) در هنگام ابتهال و دعا مانند بینوایی که غذا می طلبد ، دستانش را بالا می برد. (مکارم الاخلاق ۱۹۸۱/۸/۲)
- ۷- بجا آوردن دو رکعت نماز ۰ هر که درست وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند و رکوع و سجود آنرا کامل بجا آورد، سپس سلام گوید و خدای عزوجل و رسول خدا را مدح کند و آنگاه حاجتش را بخواهد هر آینه به جا خواهش کرده و هر که به جا طلب خیر و خوبی کند نومید بر نگردد. (البحار ۲۱/۳۱۵/۹۳-ص ۲۰/۳۱۴)
- ۸- کوچک نشمردن هیچ دعائی ؛ هیچ دعائی را خرد و ناچیز مشمار زیرا بسا که اجابت شود و تو ندانی. (الخصال ۳۱/۲۰۹)
- ۹- زیاد نشمردن خواسته ، خدای تعالی فرمود: اگر اولئین و آخرین و زنده و مرده و تر و خشگنان جمع شوند و هر یک هر چه خواهش دارد بخواهد و من آنها را بر آورم در ملک من کمترین اثر نگذارد. (البحار ۴۸/۲۵۳/۹۲)

- ۱۰- بلند همتی درخواهش؛ پیامبر(ص) پیرزنی را که از موسی تقاضائی داشت به رخ یکی از مسلمانان کشید، پیرزن در برابر سوال موسی(که قبر یوسف را نشان دهد) از موسی چند درخواست کرد؛ پام را چابک کن، بینایی را به من برگردان، جوانیم را برگردان و مرا در بهشت جای ده. (الفقیه ۱/۱۹۳)
- ۱۱- دعا کردن برای همه، چهل مؤمن را دعا کن پیش از دعا کردن برای خودت (البحار ۱۷/۳۱۳/۹۳-ص ۲۱/۳۱۷)
- ۱۲- دعای پنهانی: پیامبر(ص) فرمود: یک دعای پنهانی برابر است با هفتاد دعای آشکار (الدعوات للراوندی ۷/۱۸)
- ۱۳- دعای گروهی؛ هر گاه امر دشوار و ناگوار برای پدرم پیش می آمد زنان و کودکان را گرد می آورد و سپس دعا می کرد و آنها امین می گفتند. (امام صادق(ع)- البحار ۱۷/۳۴۱/۹۳ و ص ۲/۳۰۵)
- ۱۴- خوشبین بودن به اجابت دعا؛ چون دعا کنی چنین خیال کن که حاجتت بر در خانه است. (امام صادق(ع) ۲/۳۷۲/۴۳/ح۱/الکافی)
- ۱۵- انتخاب زمان مناسب؛ هر که فریضه ای را ادا کند دعایش در آن هنگام نزد خدا مستجاب است. (عیون الاخبار الرضا ۲/۲۸/۲۲)
- ۱۶- پافشاری و اصرار بر دعا؛ امام علی(ع) فرمود: در مسألت از خدا پافشاری کن تا درهای رحمت به رویت گشوده شود. (البحار ۱۷/۷۷/۱۲۰۴)- پیامبر(ص) فرمود: راستی که خداوند در خواست کننده مُصر را دوست دارد. (غررالحکم ح ۹۱۶۰)
- ۱۷- اظهار کردن نیاز؛ پیامبر(ص) فرمود: خداوند بسیاری از خوبیها را از بنده اش دریغ می دارد و می فرماید به او نمی دهم تا از من بخواهد. (مستدرک الوسائل ح ۱۷۵ ص ۵۶۰۳)
- ۱۸- قاطع بودن در دعا؛ پیامبر(ص) فرمود: هر گاه دعا کردی در دعا قاطع باش، و نگو، خدایا! اگر می خواهی بده، چرا که خداوند وادار کننده ای ندارد. (صحیح مسلم ج ۴ ص ۲۰۶۳ ح ۷)
- ۱۹- به اجابت خوشبین باشید؛ پیامبر(ص) فرمود: بنده ام در نزد من آنگونه است که به من گمان می برد و من با او هستم، هر گاه مرا بخواند. (مسند ابن حنبل ج ۳ ص ۵۲۵ ح ۱۰۲۲۸)

۲۰- دعای دل غافل به اجابت نمی رسد؛ امام صادق(ع) فرمود: پس هر گاه دعا کردی با توجه قلب باشد ، یقین داشته باش که اجابت می شود.(الکافی ج۲ص۴۷۳ح۳)

والسلام علی من اتبع الهدی

**منابع:**

فرهنگ لغات نوین

محمّدی ری شهری- حکمت نامه پیامبر اعظم(ص)

محمّدی ری شهری- نهج الدعای